

## چالش‌ها و تهدیدات امنیت سازی در خلیج فارس و رابطه آن با الگوی ایران اسلامی پیشرفت

دکتر امین نواختی مقدم<sup>۱</sup>

پیمان مجندهی<sup>۲</sup>

### چکیده

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و اقتصادی حوزه‌ی خلیج فارس، و تاثیراتی که در اقتصاد جهانی داشته و دارد؛ این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. بنابر مدعای این مقاله؛ مولفه‌های امنیت‌ساز و تامین آن، فقط از طریق قدرت‌نظامی امکان‌پذیر نبوده و مهمترین عامل ناامنی در منطقه عدم توسعه‌یافتگی و پیشرفت در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی است. قدرت‌های برتر جهانی و نظام جهانی سلطه برای جلوگیری از استقرار امنیت و همکاری مشترک منطقه‌ای، از عامل اقتصاد و عدم توسعه برای ایجاد بحران و بروز منازعه در سطح منطقه استفاده می‌کنند به این صورت که عدم توسعه اقتصادی زمینه را هم برای دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه مهیا می‌سازد و هم اختلاف در سطح توسعه‌ی اقتصادی موجب ایجاد تنش و منازعه در بین کشورهای منطقه می‌شود. در همین راستا بود که مقام معظم رهبری دهه‌ی چهارم انقلاب را دهه‌ی پیشرفت نامگذاری نمودند تا بتوان با مداخلات امنیتی قدرت‌های بزرگ از طریق مساله اقتصادی مقابله کرد. لذا هدف این مقاله شناسایی شاخصه‌های امنیت‌ساز در منطقه و رابطه‌ی این مولفه‌ها با الگوی ایرانی اسلامی-پیشرفت به عنوان الگوی بومی توسعه منطقه است. ایجاد نظام همکاری جمعی منطقه‌ای بر پایه مولفه‌های مشترک اسلامی، اعتمادسازی و فرهنگ بومی، می‌تواند باعث پیشرفت و خروج قدرت‌های خارجی در منطقه و استقرار صلح و امنیت در منطقه و بین کشورهای اسلامی شود. در این مقاله از روش اسنادی برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش توصیفی-تحلیلی برای تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، خلیج فارس، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، ج.ا.ایران، نظام جهانی سلطه

### مقدمه

اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه که محل تلاقی قاره‌های مهم آسیا، اروپا و آفریقا می‌باشد؛ از دیرباز مورد توجه متفکرین سیاسی و نظامی غربی بوده است. این منطقه در عصر حاضر نیز با توجه به اهمیت زیاد در چرخه قدرت و اقتصاد جهانی، بخصوص بر خورداری از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و... تأثیرات فزاینده‌ای بر نظام تصمیم‌گیری جهانی داشته است. خاورمیانه به لحاظ دارا بودن تقریباً ۸۰۰ میلیارد بشکه نفت از حدود ۱۳۰۰ میلیارد بشکه نفت کشف شده دنیا، جایگاه اول جهان را دارد. بیش از ۴۰ درصد صادرات نفت جهان از این منطقه صورت می‌گیرد و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۲۰۲۰ به ۷۶-۴۰ درصد برسد. همچنین وجود کریدورهای متعدد انتقال کالاهای اقتصادی و انرژی کشورهای مختلف نظیر کانال سوئز، تنگه‌ی هرمز، تنگه‌ی بسفر ترکیه و باب‌المندب، یعنی کریدورهای اتصال و ارتباط با اروپا، به این منطقه حساسیت ویژه‌ای بخشیده است. خلیج فارس مهمترین کانون منطقه خاورمیانه است که در این منطقه ژئواکونومیکی بسیار حساس قرار داشته، و امنیت و ثبات آن تاثیر بسزایی در

۱ - عضو هیات علمی گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، navakhti@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه محقق اردبیلی

تضمین امنیت انرژی جهان دارد. با توجه به حوادث اخیر، کشورهای منطقه به این نتیجه رسیده‌اند که تقویت قدرت نظامی صرفاً نمی‌تواند ضامن امنیت پایدار کشورهای منطقه باشد. باید به این نکته توجه داشت که کشورهای غربی برنامه‌ای که برای امنیت منطقه در نظر گرفته‌اند در راستای تامین منافع کشورهای خود می‌باشد. حتی در حوزه نظری و مباحث علمی امنیت منطقه، باید در نظر داشت که این مدل‌ها و الگوهای نظری عمدتاً به گونه‌ای طراحی شده است که استعمار و استثمار کشورهای جهان سوم را در پی داشته باشد. بکارگیری الگوی توسعه مبتنی بر نظریات علوم اجتماعی مدرن غربی و حرکت در راستای مدرنیته و نظریات توسعه عمدتاً مادی محور و تک بعدی و به دلیل تحمیل جهان بینی و دیدگاه متضاد با هویت و تاریخ و فرهنگ موجب ایجاد بحران هویت و امنیت در منطقه خواهد شد چراکه این الگوی توسعه کاملاً در راستای منافع کشورهای غربی از جمله آمریکا طراحی شده است و در صورت تهدید منافع این کشورها، تنش و بحران از سوی این کشورها در منطقه تحمیل خواهد شد. از اینرو قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تامین امنیت منطقه حسن نیت نداشته و صرفاً به دنبال منافع خودشان و تضمین تداوم جریان نفت و انرژی منطقه هستند. وجه مشخصه اصلی منطقه، وجود تعارض و ستیز حتی در زمان همکاری کشورها با یکدیگر می‌باشد. وجود اختلافات قومی-مذهبی میان کشورهای منطقه، عدم تفاهم کشورهای منطقه در برقراری یک نظم منطقه‌ای قابل قبول، عدم درک مشترک از امنیت، سطح توسعه نامتوازن منطقه‌ای، گرایش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت نخبگان حاکم و نبود توافق جمعی کشورهای منطقه بر سر تعریف امنیت و... همگی این مولفه‌ها، دلائل اصلی اختلافات منطقه‌ای و زمینه ساز حضور کشورهای خارجی در منطقه شده است. لذا از یک طرف توجه به توسعه امنیتی این منطقه از جهان و از طرف دیگر تکیه بر مبانی اسلامی و بومی برای ایجاد یک سیستم امنیتی و اقتصادی و در نتیجه عدم وابستگی به غرب، تاثیر عمیقی بر پیشرفت کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ج.ا.ایران خواهد داشت. بنابراین می‌توان با طرح مبانی الگوی اسلامی پیشرفت و پیاده کردن این الگو در منطقه، همگرایی و همکاری در منطقه خاورمیانه را گسترش داد. به این ترتیب می‌توان گفت امنیت منطقه به خاطر این که در جهت تامین امنیت کشورهای همزمن در عرصه جهانی و برای پیشبرد منافع حیاتی و جهانی آنها طراحی شده است لزوماً این نگاه به امنیت منطقه نمی‌تواند مترادف با تامین امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس قلمداد شود. از سوی دیگر با توجه به هویت، تاریخ، فرهنگ، جهان بینی توحیدی و امنیت ذاتی در بین کشورهای منطقه، استقرار و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و کنارگذاشتن نظریات توسعه غربی که در راستای تامین منافع همان کشورها می‌باشد، می‌توان به الگوی امنیت پایدار و مردمی و متقابل در بین کشورهای این منطقه دست یافت و از ایجاد تنش و بحران بخاطر اجرای امنیت غرب محور و غیر اصیل جلوگیری و ممانعت کرد. توجه به موارد مطرح شده ضرورت پژوهش را اثبات می‌نماید چراکه نتایج این تحقیق می‌تواند موجب افزایش توان راهبردی کشور جهت ترسیم مهندسی مطلوب محیط امنیتی، جلوگیری از انزوا و اجماع سازی، ارتقاء امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای و زمینه‌های پیشرفت را فراهم نماید.

## اهداف پژوهش

- هدف این پژوهش شناسایی شاخصه‌های امنیت سازی در منطقه خلیج فارس است. از جمله این شاخصه‌ها بُعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. حال سئوالی که مطرح می‌شود این است:
- ۱- دستیابی به امنیت منطقه با توجه به الگوی اسلامی پیشرفت چگونه می‌تواند قابل تحقق باشد؟
  - ۲- چه رابطه‌ای میان الگوی اسلامی پیشرفت و امنیت خلیج فارس وجود دارد؟
  - ۳- الگوهای امنیتی و توسعه منطقه چه ویژگی‌ها و مولفه‌هایی دارد که مغایر با اندیشه اسلامی است؟

۴- نظام اقتصاد سرمایه‌داری جهانی با چه مکانیسم و روشی موجب وابستگی امنیت این منطقه به قدرت‌های برتر جهانی شده است؟

## ۲- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: استفاده از ظرفیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منطقه‌ی خلیج فارس، موجب امنیت و توسعه همه‌جانبه منطقه خواهد شد چراکه کشورهای این حوزه، دارای شاخصه‌های مشترک دینی، فرهنگی، اقتصادی، هویتی و اعتقادی و... هستند و با تبعیت از این الگو می‌توانند به همگرایی و توسعه‌ی پایدار دست یابند. الگوی غربی توسعه اهداف، سوانق و انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی مغایر با ارزش‌های اسلامی دارد و در راستای تأمین منافع ابرقدرت‌هاست و از اینرو پیروی از این الگو و اجرای آن موجب بروز تنش، بحران و حتی منازعه بین کشورهای این منطقه می‌شود.

**فرضیه فرعی:** اولویت‌های مطلوب امنیت‌سازی در خلیج فارس ارتباط مستقیمی با پیشرفت اسلامی ایرانی دارد. نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی با تک‌محصولی کردن اقتصاد کشورهای این منطقه موجب وابستگی این کشورها به خود و عدم همگرایی بین آنها شده است و باگسست از این نظام از طریق اجرای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌توان زمینه‌های منازعه و عدم همگرایی بین این کشورها را از بین برد.

## ۳- روش پژوهش

این تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی انجام شده و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد و مدارک و سایت‌های اینترنتی و فیش‌برداری بوده است.

## ۴- سابقه پژوهش

تحقیق جامع، درباره‌ی خلیج فارس و بعضاً ترتیبات امنیتی آن صورت گرفته و صدها کتاب و نشریه و مقالات متن و تحقیقات موردی از سوی استادان و پژوهشگران منطقه در رابطه با مسائل منطقه به رشته تحریر درآمده و در جراید به طبع رسیده و نیز هفده همایش که اکثراً عنوان امنیتی داشته از سوی دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت امور خارجه هر ساله برگزار شده است، لیکن تحقیقی با این رویکرد و با این دیدگاه نظری تاکنون انجام نشده است.

## چارچوب نظری

قرن بیست و یکم قرن شکل‌گیری پارادیمی است که بر تمام ساختارهای جامعه مدنی و بین‌المللی و الگوهای معرفتی افراد تاثیر می‌گذارد. این پارادایم، پسامدرن نامیده می‌شود. رویکردی که با ویژگی‌های پراکندگی، آشفتگی، تکثر و به چالش کشیدن فراروایت‌ها همراه است (تاجیک، ۱۳۸۸، ۱۳۱). بر این اساس ویژگی این دوران خردشدن قدرت و مرکززدایی و بروز ناتجانسی در برابر تجانس و انتقادی جدی از تمامیت‌خواهی و ملی‌گرایی کشورهای غربی می‌باشد. نفی فراروایت‌ها به معنی نفی اندیشه توسعه‌غربی و نفی جهانی‌شدن نظام اقتصادی سرمایه‌سالارانه است. تصور پیشرفت در اندیشه مدرن امروزه از جهات عدیده‌ای موردنقد قرار گرفته است، روایت تک‌خطی از توسعه و تاریخ، معنای واحد ارزشمند از گذشته برای همه، نفی برتری تمدن غرب، عدم مطلوبیت رشد اقتصادی، نقد علم و معرفت‌علم تجربی مسلک، نفی اعتقاد راسخ به غایت‌انگاری این جهانی و مادی (اسمارت، ۱۳۸۳: ۴۱). ادوارد سعید در شرق‌شناسی با استفاده از رویکرد گفتمانی فوکو نشان می‌دهد که چگونه غربی‌ها از اواخر قرن ۱۸ با گفتمان شرق‌شناسی ابژه یا غیریت شرق را ساختند و موجب سلطه بر آن شدند. سلطه‌ای که به شکل یک رسالت تاریخی رهایی‌بخش وانمود می‌شد و استعمار هم به این ترتیب به آبادانی و عمران تعبیر شد و ملل شرقی چونان مللی عقب‌مانده، ضددموکراتیک، وحشی خطرناک،

بزهکار، شهوت پرست، تنبل و بدگمان و ساده لوح و ریاکار، دروغگو و حيله گر در مقابل ملل منطقی، عقل‌گرا، صلح طلب، لیبرال، اصیل و کارآزموده غربی نشان داده شدند و به این ترتیب برتری و سلطه‌ی غرب بر شرق طبیعی و توجیه شد. چنین گفتمانی موجب گردید که این کشورها بدون هویت و تاریخ شده و به راحتی در چنبره سلطه و استعمار کشورهای غربی قرار گیرند.

امنیت در عصر پست مدرن آن چیزی نیست که در حذف تهدید حاصل گردد بلکه امنیت در کنار تهدید بوجود می‌آید. در واقع امنیت در این بستر، آن چیزی است که فوکو معتقد به یک (غیر) یا (دیگر بود) است و هر موضوعی در تقابل یا تضاد معنا می‌یابد. لذا امنیت در دیدگاه پست مدرن، در کنار تهدید قابل حصول است و مفهومی سیال و متکثر و نسبی به خود می‌گیرد (یزدانی، ۱۳۹۰، ۱۶۶). برای این اساس در دیدگاه کشورهای حوزه خلیج فارس امنیت در غالب یک غیر و دیگر بود مفهوم می‌یابد. هرچند در آراء پست مدرن شناخت (غیر) می‌تواند بسیار خطرناک باشد و موجب ناامنی گردد (بنکه، ۱۳۸۱، ۲۳۵). بنابراین هرکدام از این کشورها، امنیت را نبود تهدید در یکی از وجوه نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ... می‌دانند. به گونه‌ای که به اعتقاد بوزان تهدیدات و آسیب‌ها در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی) تاثیر گذارند (عبداله خانی، ۱۳۸۲، ۱۴۰)، چرا که امروزه ارتباط مستقیمی میان امنیت و توسعه همه‌جانبه وجود دارد و این امر را می‌توان با بررسی تطبیقی جوامع توسعه یافته که از ثبات و امنیت بیشتری نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته و یا توسعه نیافته دارند، اثبات کرد (ساعی، ۱۳۸۴، ۷۱-۶۹). هرچند ممکن است که این کشورهای توسعه یافته در مناطقی چون خلیج فارس، به عنوان بازیگران امنیتی کننده، که حافظان امنیت دولت‌های حوزه خلیج فارس خود را نشان دهند؛ اما در این مسیر اغلب منافع شخصی خود را به شیوه‌ای پنهانی دنبال می‌کنند. هدف مقاله حاضر نیز بررسی همه این شاخصه‌ها به عنوان عوامل موثر در حوزه امنیت در خلیج فارس و بازگشت به مسائل هویت‌سازی چون مذهب می‌باشد. چرا که براساس فرمایشات مقام معظم رهبری، ارائه یک الگوی اسلامی بدون وابستگی به غرب تنها راه پیشرفت کشورهای اسلامی است.

در مکتب اسلام، اساس رفتار حکومت اسلامی جهت‌دهی به هدایت انسان است یعنی شرایطی فراهم کند تا هدایت شود چراکه نخستین و مهم‌ترین اصل توسعه از دیدگاه اسلام توجه به هدف‌داری آفرینش است. همه چیز را خداوند برای هدایت نه قدرت گذاشته است. برعکس دیدگاه غربی که هدف اصلی کسب قدرت اقتصادی است و این قدرت باعث برتری و برتری باعث نزاع می‌شود. اقتصاد، اخلاق، سیاست و... همگی برای هدایت است. مکتب هدایت در مقابل مکتب قدرت که جوهره اصلی مکاتب رئالیسم، نئورئالیسم و لیبرالیسم است. حتی مکاتبی چون پست مدرنیسم که مدعی‌اند با تجمع قدرت مخالفند اما آنها در عمل در خدمت قدرت‌مداری و اومانیسیم هستند و تنها مکتب اسلام است که اساسش بر خدامحوری، نفی سبیل، اخوت و برادری، برائت از مشرکان و... است و قدرت را فقط برای خدمت به انسان می‌داند (میزگرد، ۱۳۸۶، ۱۳۱).

## امنیت و سازه انگاری

فرض مشترک میان تمامی دیدگاه‌های سازه انگارانه به امنیت، تلقی آن بانه عنوان برساخته‌ی اجتماعی است. توهذیپ، به عنوان یک برساز معتقد است. کارگزاران سیاسی دولتها بر اساس برداشتهای که از هویت دارند دیگر دولتها را به عنوان دوست یا دشمن مشخص میکنند. اذعان سازه انگاری به موضوعیتی که هویت برای امنیت دارد منجر به فرض مشترک در آنها شده است. که عوامل غیرمادی یا اندیشگانی مانند هنجارها، جایگاهی محوری در برساز امنیت و رویه های امنیت در سیاست جهان دارند (مک دونالد، ۱۹۱۱، ۱۳۹۱) سازه انگاران سرچشمه امنیت و

ناامنی را در نحوه‌ی تفکر بازیگران درباره‌ی پدیده‌ها و موضوعات خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند هراندازه ادراکات و منطبق بازیگران درباره‌ی پدیده‌ها و موضوعات نامتناسباتی تر و متناقض تر می‌باشد. بی‌اعتمادی میان آنان افزایش می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به سمت خودیاری و خودمحوری حرکت میکنند. اما چنانچه ساختاری از دانش مشترک ایجاد شود آنگاه میتوان کشورها را به سوی جامعه‌امینیتی صلح آمیزی هدایت نمود. بنابراین امنیت بیش از عوامل مادی بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر متکی است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹، ۱۵۸) سازه‌انگاران معتقدند که امروزه امنیت دیگر به شرایط مادی بیرونی دلالت نمیکند و تبدیل به مفهومی اجتماعی، بین‌الذهانی و معنایی شده که از بعد هویتی و هستی‌شناختی برخوردار است. از نظر میتران به عنوان یک سازه‌انگار، بر خلاف آنچه واقع‌گرایان میگویند دولت‌ها تنها در پی به دست آوردن و حفظ امنیت فیزیکی خود نیستند، بلکه در صدد کسب امنیت هستی‌شناسانه و یا هویتی هستند (عسگری حصن، ۱۳۹۵، ۹۶) از دید سازه‌انگاران، امنیت، صرفاً در عرصه بین‌المللی و بدون ارتباط با جامعه شکل نخواهد گرفت، از این دیدگاه، امنیت در چهارچوب مضیق قدرت نظامی مردود است. این تأکید نشان میدهد که صرفاً امنیت نظامی و مصون ماندن از تهدیدات خارجی ملاک نیست. بلکه امنیت در داخل اجتماع و دیگر ابعاد و سطوح نیز مدنظر آنهاست. آنها کسب امنیت را از طریق موازنه قوا و بازدارندگی نامناسب می‌دانند و در مقابل براطمینان، اعتماد و همکاری برای تحصیل امنیت تأکید دارند. که این امر ناشی از اعتقاد آنها به بستر اجتماع است (عبدالله خانی، ۱۳۸۶، ۱۸۶) بنابراین بحث سازه‌انگاری را هم می‌توان در کنار نظریه پست‌مدرن اضافه کرد که با تبدیل ارزش‌های اسلامی به عنوان مولفه مشترک و هویت بخش بین کشورهای منطقه می‌توان به کاهش تنش یاری رساند. از نگاه سازه‌انگاران اگر بتوانیم مبانی الگوی اسلامی پیشرفت را در حوزه خاورمیانه پیاده کنیم و ذهنیت کنشگران منطقه را به این ارزش‌ها سوق دهیم می‌توانیم به ایجاد معنای مشترک در اذهان بازیگران منطقه‌ای به یک وحدت اسلامی در منطقه پیدا کنیم و حتی با ترویج این ارزش‌ها و فرهنگ‌های اسلامی در جهان موجبات وحدت مسلمانان را فراهم آوریم.

### متغیرهای پژوهش

امنیت در عصر حاضر بسیاری از مقولات مفهومی نسبی به خود گرفته‌اند. یکی از این مقولات، امنیت است که یک واژه مشترک است اما آنرا به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که حتی گاهی این تعاریف متضاد می‌شوند. چراکه نوع نگرش نسبت به این مقوله از دیدگاه ملت‌ها، سازمان‌های بین‌الملل دولتی و غیردولتی و نخبگان سیاسی متفاوت است. امنیت در لغت به معنی عدم تشویش و ترس، آسودگی و اطمینان خاطر است (نویدینیا، ۱۳۸۵، ۵۷). همانطور که گفته شد امنیت با هرنگرشی تعریف متفاوتی می‌گیرد. باری بوزان رهایی از تهدیدها را مساله امنیت می‌داند؛ به اعتقاد وی در عرصه بین‌الملل امنیت به معنی توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و استحکام عملکرد خود است (بیلیس، ۱۳۸۳، ۴۷۲). در واقع امروزه امنیت فقط به معنای داشتن قدرت نظامی نیست، زمانی که یک جامعه از هر نظر، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از ثبات و نظم برخوردار باشد می‌تواند در مقابل تهدیدات و منازعات از خود و ارزش‌هایش پاسداری کند. بنابراین چنین جامعه‌ای به توسعه و پیشرفت دست خواهد یافت. درباره توسعه و اولویت‌های امنیت در حوزه خلیج فارس که موضوع و هدف اصلی این مقاله است باید گفت این حوزه در ادوار تاریخی نظام‌امینیتی متفاوتی داشته‌است. امنیت در این منطقه به پاشنه آشیل قاره قدیم معروف است و هرگونه آشفتگی در این حوزه پیامدهای مخربی برای قاره آسیا، اروپا و آفریقا داشته‌است (فون لوهازون، ۱۳۷۵، ۴۶) ایران کلید ثبات در منطقه است و امنیت خلیج فارس اهمیت حیاتی برای آن دارد و لذا هیچ نفعی در ایجاد بحران و ناامنی در منطقه ندارد (انصاری، ۱۳۷۲، ۳۰).

## اولویت‌های امنیت‌ساز خلیج فارس

خلیج فارس از قدیم به بحرالفراس، پرسپیکوس سینوس شهرت داشته و این منطقه مللی را شامل می‌شود که به لحاظ فرهنگی متفاوتند ولی از نظر مشغله‌های سیاسی، راهبردی و اقتصادی، هماهنگی و تجانس دارند. این منطقه از دیرباز والاترین اهمیت را در دید جغرافیاسیاست ایران داشته و خواهد داشت؛ و ادامه آن از نظر جغرافیاسیاست به سوی خاور تا پاکستان و افغانستان کشیده می‌شود و ایران محور این منطقه است و هیچ‌گونه ادعای ارضی علیه همسایه‌های در منطقه نداشته و ندارد (تائب، ۱۳۸۶، ۱۴۴).

در گذشته غرب و شرق با ابزارهای نظامی سعی داشتند که امنیت این منطقه را در راستای منافع خود شکل دهند. اما امروزه دیگر استفاده از این ابزارهای سیاسی، فرهنگی و مخصوصاً اقتصادی امنیت این حوزه را تحت الشعاع قرار دهند. بنابراین شناخت این وجوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به عنوان یکی دیگر از اهداف این پژوهش برای پاسخگویی به اولویت‌های امنیت‌ساز خلیج فارس می‌تواند ثمربخش باشد.

### اولویت فرهنگی

منطقه خاورمیانه دارای ویژگی‌های یگانه و شاخصی است که مانند آن در کمتر منطقه‌ای از جهان می‌توان یافت. در این منطقه چند نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند. این منطقه زادگاه سه دین بزرگ اسلام و مسیحیت و یهود است؛ و فرهنگ آن بر اصول اسلام بنیان شده است (نامی، ۱۳۸۸، ۳۰). در این منطقه مذاهب اسلامی متفاوتی وجود دارد اما به دلیل داشتن اشتراکات زیادی چون قرآن و سنت نبوی، مسلمانان می‌توانند به تفاهم برسند و دست برادری به هم داده و همین امر موجب برقراری امنیت پایدار شود. برقراری و تداوم امنیت یکی از حیاتی‌ترین نیازهای جوامع بشری و از مهمترین فعالیت دولتها در قرن حاضر است. یکی از متغیرهای مهم که ارتباط تنگاتنگ با قدرت و سیاست دارد امنیت می‌باشد که یکی از شاخصه‌های مهم فرهنگی آن در سطح منطقه خلیج فارس، قوم و قوم‌گرایی است. مقوله قوم به دلیل کارکرد دوگانه در ایجاد ناامنی و یا تحکیم مبانی امنیت از پیچیدگی خاصی برخوردار است.

در نقش آفرینی اقوام در امنیت منطقه خلیج فارس مؤلفه‌های گوناگونی چون موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه مورد مطالعه و مناطق سرزمینی اقوام خصوصاً اقوام مرزنشین، نخبگان منطقه‌ای، مناسبات بین‌المللی و... تاثیر گذارند (بحیرایی، ۱۳۸۸، ۴۸۵). عدم توازن قدرت کشورهای منطقه و حضور قطبهای نظامی قدرتمند چون ایران و عربستان سعودی در مقابل کشورهای کوچک و ضعیفی چون کویت، بحرین و... نیز خود بر دغدغه‌های موجود درباره ثبات در منطقه افزوده است (اخباری، ۱۳۸۸، ۳۸).

در واقع، در نتیجه شالوده‌شکنی از یکسان‌سازی‌های اندیشه پست مدرن، که باعث بازگشت انسان به مسائل هویت‌سازی چون قومیت و یا مسائل مذهبی و بومی شده است. امید می‌رود کشورهای این حوزه با بازگشت به اسلام راستین به عنوان یک اصل مشترک و کامل بتوانند زمینه‌های همکاری و پیشرفت امنیتی این حوزه را فراهم آورند (نویدینیا، ۱۳۸۵، ۶۰).

## اولویت

عدم درک مشترک از امنیت و نبود توافق جمعی کشورهای منطقه بر سر تعریف امنیت، نظرات متفاوتی را درباره سیاست امنیتی منطقه‌ای به همراه می‌آورد. که به عنوان یکی از عوامل شک و تردید در منطقه محسوب می‌شود. فقدان مؤلفه‌های با ثبات در چنین شرایطی باعث می‌شود نظامهای سیاسی منطقه با فقدان تضمین‌های امنیتی

و مولفه‌های تامین کننده امنیت مواجه گردند. وجود تضمین‌های امنیتی در چنین شرایطی دشوار گردیده است زیرا که:

الف) حضور نظامی بیگانگان در منطقه به‌ویژه خلیج فارس، ضمن آنکه پتانسیل تهدید را فعال نگاه می‌دارد، مانع از شکل‌گیری نظم و ثبات منطقه‌ای و همکاری کشورهای منطقه برای شکل‌دهی به روندهای تسهیل‌کننده همکاری‌ها می‌گردد. خلیج فارس همچنان فاقد (نظام امنیتی جامع) متشکل از جامعه امنیتی و سیستم ترتیبات امنیت دسته‌جمعی است.

ب) تروریسم به‌عنوان منبع تهدید عمده نظام جهانی محوریت یافته است و نه تنها باعث بی‌ثباتی کشورهای منطقه شده، بلکه مبنای بسیاری از مداخلات در امور داخلی کشورها یا اقدام نظامی علیه آنان است.

ج) سیاست‌های توسعه‌طلبانه و جنگ‌محورانه اسرائیل در عمل مانع شکل‌گیری ثبات و صلح پایدار در خاورمیانه می‌شود. این رژیم تنها کشور دارای سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه است که هیچ‌یک از معاهدات خلع سلاح را نپذیرفته است

د) برداشت‌های افراطی از اسلام در قالب اندیشه وهابی‌گری و داعشی، باعث رشد خشونت در منطقه شده و در عین حال باعث ممانعت از خروج نیروهای بیگانه از منطقه می‌گردد (اخباری، ۱۳۸۸، ۵).

در چنین شرایطی بهترین تضمین امنیتی، تدوین نظام جامع امنیت منطقه‌ای و ایجاد سیستم دسته‌جمعی بر مبنای مولفه مشترک و حل و کاهش مولفه‌های اختلاف‌زا است. این سیستم مکانیسم مناسبی برای مبارزه با تروریسم و ریشه‌های آن و خروج بیگانگان است.

#### اولویت اقتصادی

خلیج فارس از یک طرف چون محل تلاقی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است و از طرف دیگر چون مهم‌ترین مخزن نفتی جهان است؛ نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد جهان دارد. به‌همین دلیل از روزگاران پیشین مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. براساس آمارهای گرفته شده، ذخیره نفتی خلیج فارس بیش از ۶۵ درصد ذخایر کل جهان است و عمر ذخائر گازی آن را صدها سال تخمین زده‌اند. و حدود یک پنجم کل تولیدات نفت جهان به این منطقه اختصاص داده شده است (صفایی پور، ۱۳۸۸، ۳۹۷). نفت و امنیت آن در این منطقه در ثبات سیاسی و بقای این کشورها نقش کلیدی دارد چرا که نفت برای منطقه شاهرگ حیاتی اقتصاد است. تولیدکنندگان بزرگ برای مشارکت در تامین عرضه انرژی علاوه بر امنیت و ثبات سیاسی نیازمند امنیت سرمایه‌داری و همچنین امنیت دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته نیز هستند به‌گونه‌ای که عرضه نفت از منطقه خلیج فارس هدف اساسی سیاست خارجی امریکا است. رابطه میان امنیت و انرژی را می‌توان در زنجیره رسم شده زیر مشاهده کرد

انرژی ← اقتصاد ← قدرت ← امنیت

تجارت نفت از دیدگاه اقتصاد کلان ارتباط مستقیمی با امنیت ملی کشورهای خلیج فارس پیدا می‌کند با توجه به تاثیرات انرژی بر تک تک کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده نفت، لذا برای ایجاد آرامش و ثبات در این منطقه و اطمینان از عرضه و تقاضای انرژی، نیازمند به طراحی یک الگوی مناسب یعنی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم تا ثبات را در منطقه فراهم کند. زیرا این الگو دارای ویژگیهایی چون خدامحوری، اخلاق‌گرایی، هدایت محوری، ضد استعمار و استحمار، نفی سبیل، همزیستی مسالمت‌آمیز اصل اعتدال و وفای به عهد است؛ اصولی که کاملاً مغایر با الگوی غربی است. فاصله گرفتن کشورهای منطقه از الگوی غربی، زمینه‌های همگرایی و توسعه اقتصادی را به همراه دارد.

## اولویت جغرافیا

کشورهای حوزه خلیج فارس که شامل کویت، بحرین، قطر، امارات، عراق، عربستان و ایران می باشند از توازن قدرت برخوردار نبوده و برخی از آنها مانند کویت برای ایجاد توازن قدرت و حفظ حاکمیت خود به ابر قدرتهایی چون آمریکا متکی هستند. این رویکرد ائتلاف و همکاری دو جانبه با یک قدرت خارجی باعث حضور کشورهای خارجی در منطقه و شکل گیری استعمار و صهیونیسم شده است (شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۹۳). امنیت خلیج فارس علاوه بر کشورهای حوزه آن، برای کشورهای خارجی نیز مهم است. زیرا نفت این منطقه عامل مهمیدر میزان قدرت تولید کنندگان و مصرف کنندگان آن است. بنابراین استراتژی آمریکا تسلط هر چه بیشتر بر منابع نفتی و کنترل مسیرهای انتقال آزاد انرژی به بازارهای مصرف است. دو عامل باعث شد که آمریکا بر نفت خلیج فارس دست یابد نخست شعار استعمار زدایی بعد از جنگ جهانی دوم بود که به استقلال کشورهای مستعمره در خلیج فارس منجر شد این استقلال باعث شد که سرمایه فراملی آمریکا وارد منطقه شود و به همان اندازه کشورهای منطقه را به خود وابسته نماید. دومین عامل رهبری جهانی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بود با توجه به اثرات جنگ بر اروپا و ژاپن، آمریکا در صدر کشورهای قدرتمند قرار گرفت (رحیمی، ۱۳۸۹، ۱۹۴).

## امنیت در خاورمیانه

امنیت در خاورمیانه در طی تاریخ طولانی خود از تاریخ پرفراز و نشیبی برخوردار بوده است. خاورمیانه همواره به علت چهارراهی بودن و موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی خاص خود مورد توجه بیگانگان بوده است. نکته ای که در حال حاضر می توان به آن توجه نمود این است که هم اکنون فضای امنیتی- سیاسی خاورمیانه صرفاً توسط حکومت های ملی تنظیم نمی شود بلکه مجموعه ای از بازیگران ملی و غیرملی در جریانات سیاسی و معادلات امنیتی منطقه دخیل شده اند. همچنین نباید فراموش کرد که موزاییک فرهنگی، مذهبی، عقیدتی موجود در منطقه بسترهای ژئوپلیتیکی مناسبی را نیز برای دخالت های ابرقدرت ها فراهم ساخته و از طریق ایجاد ناامنی و بی ثباتی در این منطقه شکننده، زمینه را برای تامین منافع خود از جمله فروش سلاح و دسترسی به منابع نفتی و غیر نفتی و کنترل این لوزی استراتژیک یعنی خاورمیانه بزرگ ایجاد می کنند. به علاوه، کشورهای منطقه که خود بازیچه دست ابرقدرت ها می باشند به جای اتحاد، همکاری و صلح و دوستی اغلب در راستای اختلاف، تنش و درگیری حرکت نموده و ضمن قربانی شدن توسط افراطی گری، تروریسم و تندروی مذهبی منافع ابرقدرت های غربی را بیشتر از پیش تامین می نمایند. ظهور ائتلاف ها و گروه بندی های سیاسی جدید همانند عربستان، مصر و امارات در مقابل حماس، حمایت قطر و ترکیه و عربستان از افراطی گری و تندروی گروهک هایی همانند داعش و النصره در سوریه، فرقه گرایی، تلاش برای کوچک سازی کشورهای منطقه، تجزیه عراق و تهدید سایر کشورهای منطقه، استراتژی ایالات متحده در جهت ناامن ساختن کشورهای مخالف تحت نام دولت یاغی یا محور شرارت و مجموعه از مشکلات سیاسی- سرعت فزاینده تحولات در منطقه خاورمیانه و انتقال این منطقه به کانون محوری مسائل نظام بین الملل، از جمله پدیده های مهم قرن بیست و یکم می باشد که، کلیه بازیگران سیاسی و به ویژه کشورهای حاضر در منطقه را تحت تأثیر قرار داده است (بوزان و ویور، ۱۹۹۷: 11) (kemp, 1997: 11) به گفته هردوت، خاورمیانه، زون محور جغرافیایی از سرزمین آفریقا - آسیایی است که از شمال آفریقا تا حاشیه های غربی چین کشیده شده است و کمربندی سرزمینی است که هودگسون آن را از نیل تا اکسوس نیز می نامد (Hodgson, 1974: 50-60) دیدگاه هودگسون چند واقعیت کلیدی و متناقض را در بر می گیرد، خاورمیانه بزرگ با میراث سه دین و مبارزه تکان دهنده جنگ و سیاست شکل گرفته است (کاپلان، ۲۰۰۸: ۵۰۸). میراث اقوام کهن این منطقه از گذشته تمدنی، که در بستر اسلامی رشد یافته بود، در این شرایط دستخوش تاراج و بی اعتنائی شد. انقلاب صنعتی و سپس انقلاب ارتباطات در صحنه ابزارهای ارتباطی



دهه های اخیر، بر کیفیت و کمیت پیچیدگی های ذاتی اوضاع در این منطقه افزود. هر چه اینگونه شاخص ها قوت می گرفت، بر ثبات و امنیت اجتماعی- فرهنگی منطقه هم تأثیر می گذاشت، اینچنین بود که، این قلمرو به ورطه بحران ها و گرداب های سخت افتاد (موجانی، ۲۰۸۹۴ ک). این مسائل به همراه رفتار کنشگران برون منطقه ای باعث گردید تا زمینه های بر ساختن هویت از اندیشه های دینی از سوی برخی گروه های بنیادگرا فراهم شود.

به گفته بری بوزان، منطقه خاورمیانه همواره ساختاری کشمکش زا داشته است. در این منطقه، اختلافات سرزمینی و مرزی، شکاف های قومی و مذهبی، تعارضات ایدئولوژیک بین چپگرایان و راست گرایان، رادیکال ها و محافظه کاران و بین ملی گرایان سکولار با اسلامگرایان و دخالت قدرت های بزرگ منشا اختلاف و درگیری بوده اند. (جعفری ولدانی، ۲۰۸۳۳: ۰۳) در منطقه خاورمیانه، بحران هویت و بحران دولت- ملت سازی، بستر ساز مهم تعارض های هویتی قومی و مذهبی بوده اند و در کنار آن می توان به تعارض های هویتی فکری و ایدئولوژیک سکولار در مقابل دینی، مسلمان در مقابل غیر مسلمان و مانند آن و تعارض های سرزمینی، سیاسی و مرزی اشاره کرد. تحولات و رادیکالیسم سیاسی در منطقه در عصر پسا جنگ سرد عمدتاً ناشی از تعارض های هویتی بوده است و بر این اساس، تعارض های ژئوپلیتیکی و تبیین های نظری از آن منظر نیز تا حد زیادی جنبه هویتی و ژئوکالچری یافته اند. در این ارتباط، می توان به شکل گیری «ژئوپلیتیک شیعه» و «هلال شیعی» در مقابل بلوک سنی مذهبها، ظهور و گسترش گروه های تکفیری و مانند آن اشاره کرد. معادلات و پویا ها و رقابت های منطقه ای نیز جنبه هویتی یافته اند. در عصر کنونی، عواملی همچون انقلاب ارتباطات و اطلاعات، جهانی شدن، گسترش آگاهی های سیاسی، ظهور نسل جدید رهبران و گسترش جنبش های اجتماعی هویت بنیاد، منجر به تشدید سیاسی شدن هویتها و تروریسم قومی - مذهبی در جهان شده اند. اما بایستی خاطر نشان ساخت که نقش آفرینی این عوامل، عمدتاً از منظر کاتالیزوری و سرعت بخشی، قابل بررسی هستند تا ایجاد کنندگی و ماهوی. از حیث نظری، ریشه دار بودن تروریسم و خشونت های قومی و مذهبی در منطقه خاورمیانه یا برخی مناطق دیگر جهان، ناشی از عوامل گوناگونی است که مهمترین آنها عبارتند از: بحران هویت ملی و غلبه پیوند های فرو ملی بر پیوند های مدنی و ملی، بحران دولت سازی و عدم مشروعیت رژیم ها، تردید های جدی در ادعاهای صلح طلبانه رهبران ستیزه جو (Barak, 2007:458) 4. ( نبود ترتیبات نهادین و دموکراتیک، سرکوب و اقتدارگرایی حکومتها، تحقیر و محرومیت اقتصادی و سیاسی اقلیت های قومی و مذهبی، نقش آفرینی منفی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای.

خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری به همگرایی ساختاری، نزدیکی راهبردی و جهت گیری منطقه ای در خصوص مشکلات خود دارد. اقلیم سیاسی حاکم بر منطقه از بحران ها سرشار است. بنیادی ترین راه حل ها به درون منطقه باز می گردد. از بین بردن زمینه دخالت دیگران ضرورترین اصل در ساماندهی فضای سیاسی و جغرافیایی منطقه خاورمیانه است. کشورهای منطقه برای رسیدن به همگرایی باید چالش های ژئوپلیتیکی را به فرصت تبدیل کنند. شناخت ظرفیتهای جهان اسلام و تأکید بر آنها می تواند فراتر از تمام چالش های مذهب گرای منطقه ای به پیامد قابل قبولی برسد که به نفع همه مسلمانان در جهان خواهد بود. کارکرد استراتژی دین جهانی از ژئوپلیتیک مذهب گرای منطقه ای موفق تر خواهد بود به شرط اینکه حساسیت آن درک شود. از نظر فرهنگی اسلام مهمترین عامل در پیوند مردمان این مناطق است. اگر چه به لحاظ مذهبی پراکندگی و جدائی هایی وجود دارد اما به گونه گسترده دین اسلام محور همگرایی هاست و چنانچه نگرش های افراطی مذهبی کنترل شوند باعث تقویت زمینه های وحدت خواهند شد (عسگری، ۱۳۸۷). وجود دشمنان مشترک باعث ایجاد منافع مشترک میشود. درک درست این موضوع باعث همگرایی خواهد شد. منافع کشورهای منطقه در حفظ اتحاد و نگرانی از منابع انسانی و سرمایه های طبیعی است. توانمندیهای تکنولوژیکی کشورهایی چون ایران میتواند در حل بخشی از مشکلات فنی کشورهای منطقه موثر

باشد. ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار میتواند در هدایت راهبردی کشورهای منطقه از توانمندیهای خود بهره زیادی ببرد. تلاش برای حل اختلافات موجود و پرهیز از ایجاد اختلاف یک نسخه بیدیل در درمان مشکلات منطقه میباشد. این مساله در سایه تشریک مساعی و خواست کشورهای بزرگ قابل تحقق است.

### زمینه های شکل گیری الگوهای روابط در زیرمجموعه امنیتی منطقه ای خلیج فارس

برای بررسی نوع الگوهای روابط حاکم بر زیرمجموعه امنیتی منطقه ای خلیج فارس در ابتدا نیاز است زمینه های شکل دهنده به الگوهای کنش کشورهای واقع در این منطقه نسبت به یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه و بر پایه شاخصهای مادی و معنوی تعیین کننده عوامل زمینه ساز الگوهای دوستی / دشمنی، میتوان از چهار زمینه اصلی که عامل اصلی شکل دهنده به الگوهای روابط در خلیج فارس هستند نام برد؛ هویت‌های فراملی - فروملی به‌عنوان عامل معنایی، و نفت، کشمکش برای برتری جویی منطقه ای، و عامل مداخله گر خارجی (پوشش) به عنوان عوامل مادی. (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۸-۱۵۴) که در ذیل هر یک از مولفه های ذکر شده مورد بررسی قرار می گیرد:

**هویت های فرا ملی و فرو ملی:** یکی از مهمترین عواملی که شکل دهنده الگوهای رفتاری کشورها در خلیج فارس است، هویت های تاریخی هستند که چه در سطح فروملی و چه در سطح فراملی به عنوان عوامل تعیین کننده و تشدید کننده رقابتهای منطقه ای عمل میکنند. اهمیت هویت به عنوان یکی از عوامل اصلی تعیین کننده الگوهای رفتاری کشورهای منطقه به اندازه های است که برخی محققان حوزه مسائل بین الملل خلیج فارس همچون گریگوری گاس معتقدند برای فهم توازن الگوهای رقابت قدرت در خلیج فارس نباید به الگوهای رئالیستی توازن قدرت بسنده کرد بلکه میتوان گفت که توازن قوا در خلیج فارس بیشتر متکی بر ترسهای امنیتی رهبران سیاسی از همسایگان است. بوی مدعی است که مهمترین مؤلفه در مجموعه امنیتی منطقه خلیج فارس عدم توازن قدرت نیست، بلکه برجستگی هویت‌های فراملی است. این هویتها از دو طریق بر سیاست بینالملل خلیج فارس تأثیر میگذارند. نخست اینکه، کشورها از این هویتها در مرزهای دیگری به عنوان ابزار فشار بر حکومت‌های رقیب استفاده میکنند. از این طریق، هویت‌های فراملی احتمال جنگ را افزایش میدهند؛ چرا که رهبران میتوانند به این باور برسند که وجود اقلیت‌های مهم در کشورهای هدف میتوانند از حمله نظامی آنها حمایت کنند. دوم، این هویتها از سوی رهبران به عنوان تهدیدی علیه امنیت. (نشست «الگوهای روابط کشورهای خلیج فارس» ۱۳۹۵/۱۱/۱۶)

**نفت:** نفت تأثیر زیادی در کشمکشها و توازن قدرت در خلیج فارس دارد. دو جنگ اصلی در خلیج فارس در مناطقی رخ داده اند که دارای منابع غنی نفتی بوده اند؛ حمله عراق به استان خوزستان ایران و حمله به کویت بر سر مناقشه برای منابع نفتی رومیله. نفت به تنهایی کشورهای عضو شورای همکاری را در مجموعه ای از ارتباطات سیاسی، اقتصادی و استراتژیک گره میزند نفت در خلیج فارس در بسیاری مواقع عامل رقابت بوده است تا همکاری. این ماده در بسیاری برهه ها - به ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران - به عنوان عاملی برای رقابت بین ایران و عربستان و ابزاری برای قدرتمندی عربستان در برابر ایران عمل کرده است. (cooper.2011:138). نفت هر چند از این ظرفیت برخوردار است که عامل همکاری بخش کشورهای منطقه باشد، اما به دلیل ساختار خاص این زیرمجموعه منطقه ای - که باز تولید کننده رقابتها، تنشها و معمای امنیت است - باعث شده این عامل همکاری بخش به عنوان عاملی در جهت گسترش رقابتها تبدیل شود.

**رقابت برای کسب برتری منطقه ای:** یکی از ویژگی‌های سیاست بین الملل در خلیج فارس، وجود رقابتی آشکار بین ایران، عراق و عربستان برای کسب برتری منطقه ای یا جلوگیری از برتری جویی رقیب بوده است-البته عراق پس از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به این کشور درگیر بحرانهای داخلی است و از چرخه رقابت های منطقه ای کنار رفته است به گونه‌ای که سایه تجزیه طلبی گروههای قومی و مذهبی به ویژه از سوی کردها بر سر این کشور سنگینی میکند بنابراین رقابت برای کسب برتری منطقه ای باعث شده سیاست امنیتی در این منطقه زیربنای همه رفتارهای سیاست خارجی کشورهای منطقه باشد. حضور آمریکا و تلاش برای برتری منطقه ای از سوی این کشور نیز بر دامنه این رقابتهای و ترسها افزوده است. (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۶۳)

**پوشش خارجی:** یکی از ویژگیهای بارز یک مجموعه امنیتی منطقیها، حضور عاملی خارجی در یک مجموعه امنیتی منطقه ای است که بری بوزان از آن تحت عنوان (پوشش) نام میبرد. پوشش میتواند پوششهای امنیتی یک مجموعه امنیتی منطقه ای را از شکل طبیعی خود خارج کند و حتی دگرگون سازد. بنابراین پوشش از اهمیت بالایی در محاسبات رفتاری یک مجموعه امنیتی برخوردار است. خلیجفارس نیز از این مقوله مستثنی نیست و بهشدت تحت تأثیر نفوذ عامل خارجی قرار دارد. بر همین اساس میتوان گفت یکی از ویژگیهای این زیرمجموعه تأثیر پذیری بالای آن از سیستم بین الملل است. پیوند ساختاری نظام بین الملل با خلیج فارس، الگوهای رفتاری طبیعی این زیرمجموعه را تحت تأثیر خود قرار داده و باعث تشدید رقابتهای موجود شده است. (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۶۳)

### الگوی ایران اسلامی پیشرفت

الگوی «پیشرفت اسلامی- ایرانی» نظریه پیچیده‌ای را ارائه می‌کند؛ زیرا الگویی مقید از «توسعه» را دنبال می‌نماید. قید اسلامی بودن به طور اجمالی چند شاخص اصلی را در توسعه ایجاد می‌کند. و قید ایرانی بودن از توتالیته مدل توسعه غربی می‌کاهد و به بومی شدن الگوی پیشرفت می‌انجامد. نامگذاری دهه چهارم انقلاب به دهه پیشرفت و عدالت از سوی رهبر (مدظله العالی) نقطه عطفی در حوزه نظری و کاربردی برنامه ریزی به اصطلاح توسعه در کشور ایجاد نمود. ایشان علت نامگذاری این دهه به عنوان دهه پیشرفت و عدالت را (آمدگی های بسیار وسیع و عظیمی) می‌دانند که در دهه آینده در ایران برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است. از دیدگاه ایشان ملت، آماده یک حرکت پر شتاب و بزرگ به سوی پیشرفت است، چیزی که در دهه های قبل این امکان با این گستردگی برای ملت فراهم نبود (عبدالملکی، ۱۳۹۱، ۲۰). در نظریه مقام رهبری در تاسیس مفهوم الگوی بومی پیشرفت و معرفی اسلام به عنوان مبنای پیشرفت و تفاوت مفهوم پیشرفت و توسعه است. در این دیدگاه بروز شکاف طبقاتی، تحمیل حاکمیت، انحطاط اخلاقی، دوری از معنویت، نبود امنیت اخلاقی و اجتماعی و آزادی بیان واقعی از پیامدهای الگوی توسعه غربی است (همان، ۲۲). بر این اساس بر الگوهای بومی تأکید دارند. بی شک از محورهای مهم این الگو که ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با هم دارند توسعه اقتصادی و توجه به جزئیات و مقتضیات و پتانسیل هایی که در پیشرفت کشور نقش دارند. یکی از مناطق مهم کشور که در پیشرفت ایران نقش پاشنه آشیل را بازی می‌کند؛ خلیج فارس است. چرا که هرگونه ناامنی در این حوزه نه تنها منطقه حتی عرصه بین الملل را تحت الشعاع قرار میدهد. مهمترین عامل ناامنی در منطقه عدم پیشرفت است و مهمترین دلیل عدم پیشرفت نیز، حضور بیگانگان و عدم تفاهم و همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس است. به گونه ای که امام خامنه ای در این زمینه می‌فرماید: ایران مانند همه سالهای بعد از انقلاب، دست دوستی خود را به سوی همسایگان دراز نموده است و اعتقاد دارد امنیت این منطقه مهم باید با همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس و بدون دخالت بیگانگان تامین شود و کشورهای این حوزه

پیمان دفاعی مشترک داشته باشند (واعظی، ۱۳۸۸، ۳). در واقع با نگاه اجمالی به کشورهای توسعه یافته این نتیجه حاصل می‌شود که این کشورهای در همه سطوح فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و... رشد نموده اند. بنابراین اگر بخواهیم همانند غرب پیشرفت کنیم باید فرهنگ پیشرفت را در تمامی ارگانهای آموزشی و اجرایی نهادینه کنیم. چرا که انتقال توسعه غربی بدون فرهنگ زیر بنایی آن، همانگونه که فارابی فیلسوف بزرگ اسلامی چندین قرن پیش مطرح نمود چیزی جزء انحطاط فرهنگ بومی به همراه نمی‌آورد همان مفهومی که امروزه تحت عنوان تهاجم فرهنگی از آن یاد می‌شود (سیاوشی، ۱۳۹۴، ۲۳).

## مبانی الگوی اسلامی پیشرفت

### کرامت انسان

یکی از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان، «کرامت انسانی» است؛ زیرا این موضوع پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی است. کرامت انسانی، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، در گرو رعایت آن است. در صورت بی‌توجهی به این اصل و عدم التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی، مفهوم خود را از دست خواهد داد. در این صورت، شاهد جهانی پر از ظلم، بی‌عدالتی، بی‌مهری، خشونت، جنگ، تجاوز و تبعیض خواهیم بود و آرمان «تشکیل امت واحد جهانی» و «استقرار نظام جمهوری اسلامی» به خطر خواهد افتاد.

با وجود این، برخی جریان‌های فکری موسوم به فاشیسم و نازیسم اثبات‌گرایی حقوقی و سایر مکاتب فلسفی، انسان را فی‌حد ذاته فاقد کرامت دانسته، منشأ کرامت وی را در اموری مانند وابستگی او به دولت، حکومت، نژاد، عقیده و مذهب خاص جست‌وجو می‌کنند. این جریان‌های فکری، منکر هر نوع منبع و منشأ پیشینی برای حقوق بشرند. برخلاف این جریان‌های فکری و فلسفی، اسلام مکتبی است که برای انسان، افزون بر کرامت اکتسابی، به کرامت ذاتی قابل است و آن را مبنای عدالت، آزادی و صلح در جهان می‌داند.

### دین داری

دین یکی از نیروهای اساسی جهان اجتماعی است که نمیتوان آن را صرفاً «متغیری حذف شده» فرض کرد. از آنجا که ادیان از مرزهای دولتی فراتر می‌روند، توانایی ویژه‌ای برای ایجاد «تغییر سیستمی» دارند، آنها بر همه نهادها و ایده‌های جامعه تأثیر می‌گذارند و به پیروان خود انگیزه می‌دهند. دین، تأثیری واقعی بر مفاهیم در اکثر حوزه‌ها خواهد داشت، از جمله اینکه، بازیگران سیاست جهانی چه کسانی هستند، چه چیزی می‌خواهند. همچنین دین میتواند، هویت قومی - ملی را تقویت کند، یا حتی یک ملت را از هم جدا سازد و سرانجام، دین میتواند با شکل دهی به ساختارهای شبکه‌ای، یا تأثیر بر ارزشها و انگیزه‌های سیاسی، بر سیاست تأثیر بگذارد. (قوام ۴-۲۵، ۸۹۸، ۲۰۰۸) از منظر واقع‌گرایانی چون کنت والتز دین دارای ویژگی‌هایی است که باعث توزیع قدرت و سازماندهی بین واحدهای آن می‌شود (Waltz، 1979: 82). مقوله‌هایی که در آن دین، از اهمیتی برخوردار است عبارتند: اصل نظم دهنده نظام بین الملل؛ توزیع قدرت؛ منافع؛ هویت و برساختن آن مفهوم بنیادگرایی به معنای شالوده، اساس و پایه است. پس می‌توان به این صورت استدلال کرد که دین بعنوان هویت‌ساز می‌تواند موجب شکل‌گیری هویت مشترک کشورهای منطقه و بنابراین همگرایی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس شود

### برابری

برابری و مساوات، اصلی اساسی در شرع اسلام است؛ به طوری که با رویه‌های متناقضی که در طول تاریخ رخ داده است، مخدوش نمی‌شود. از این رو اعمال متناقض با اصل مساوات، صرفاً نمی‌توانند به عنوان تخلف از قانون شرعی تلقی گردند. باید توجه داشت که گرچه اصل مساوات، اولین ظهور و بروز خود را در حوزه تکالیف شرعی می‌یابد که به موجب آن، تمام مؤمنین بدون هیچ گونه تمایزی بین تبعه و بیگانه، مرد و زن، سفید و سیاه یا غیر آنها، ملزم به ادای تکالیف شرعی هستند و از نمازهای جماعت مساجد گرفته تا زیارت خانه خدا در مکه، در تمامی موارد بدون هیچ‌گونه تبعیضی شانه‌به‌شانه هم می‌ایستند؛ اما این اصل در حوزه روابط اجتماعی نیز اعمال می‌شود. حاکمیت این اصل در روابط اجتماعی بدین معناست که تمام افراد از نظر حقوق و تکالیف مساوی هستند و یک نظام قانونی و دادرسی واحد بر آنها حکومت خواهد کرد. این قاعده بر مسلمین - هرکجا که مقیم باشند - و بر غیر مسلمینی که اجازه اقامت در قلمرو اسلامی داشته باشند، اعمال می‌شود. بنابراین لوازم اجرایی اصل برابری عبارت است از: الف) منع تبعیض نژادی ب) منع تبعیض طبقاتی ج) منع تبعیض دینی در حقوق شهروندی

## آزادی

آزادی حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار ببندازند، مشروط بر آنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند. آنچه در بحث از حقوق انسانی مطرح می‌شود، آزادی انسان از سیطره و تحکم نیروهای بیرونی است یعنی حق انتخاب نظری و عملی انسان در تمامی زمینه‌ها مادامی که عمل او به سلب حقوق دیگران و اخلال در نظم و اخلاق عمومی منجر نشود. اسلام نیز آزادی را به معنای حفظ حقوق خلق و تأمین و مصالح جامعه و قلع ماده ظلم و جنایت و خیانت، تحقق بخش ترقی و استكمال ملت می‌داند. مهم‌ترین عرصه‌های آزادی را، آزادی در عقیده و مذهب، آزادی در بیان و آزادی در عمل می‌داند. (کاظمی، افشارنیا، ۱۳۹۵، ۴۵۵)

## الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و عدم وابستگی کشورهای منطقه به قدرت‌های فرا منطقه‌ای

موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خاورمیانه باعث توجه و مداخله قدرتهای بزرگ بین‌المللی به این منطقه شده و در نتیجه نقش آفرینی قدرتهای بیرونی به عنوان عامل مداخله‌گر بیرونی باعث ناکامی تلاشهای درونی برای ایجاد امنیت مبتنی بر مشارکت بازیگران بومی در منطقه شده است. خاورمیانه و خلیج فارس در طول قرون متمادی شاهد حضور قدرتهای استعمارگر اروپایی در منطقه بوده است و در دوره جنگ سرد این منطقه به یکی از مناطق اصلی رقابت بین دو ابرقدرت یعنی آمریکا و اتحاد شوروی تبدیل شد. به طور قاطع می‌توان گفت تا پایان دهه ۱۹۴۰ بیشتر مناقشه‌های خاورمیانه با منشا درون مرزی و برون مرزی تحت تاثیر الگوهای بیرونی تحمیل شده از رقابت قدرتهای بزرگ قرار داشت. بدیهی است که داخلی بودن مفهوم امنیت در جهان سوم سبب خواهد شد که ابرقدرتها و ملل غرب که مفاهیم امنیتی‌شان خارجی است بیشتر بر امنیت منطقه اثرگذار باشند. براین اساس استعمار گران و امپریالیسم بعد از انقلاب صنعتی جهت تأمین سرمایه و منافع خود با انتقال بحران از کشورهای توسعه یافته به کشورهای توسعه نیافته از جمله منطقه حساس خلیج فارس حضور خود را حفظ نموده اند.

بنابراین منطقه خاورمیانه علاوه بر موقعیت استراتژیکی که دارد به لحاظ داشتن منابع و ذخایر انرژی‌های فسیلی همانند نفت و گاز و ... از اهمیت و جایگاه بالایی در معادلات جهانی برخوردار می‌باشد که علیرغم عدم توسعه یافتگی و دولت‌های ضعیف بخاطر ذخایر عظیم نفت و گاز میان کشورهای این منطقه و قدرتهای جهانی وابستگی‌های متقابلی شکل گرفته است. علاوه بر این، نباید از سیاستهای استعماری غرب و شرکتهای چند ملیتی نفتی غافل ماند.

چون هجوم شرکت‌ها و کارتل‌های بزرگ نفتی به منظور اکتشاف و استخراج سالیانه میلیون‌ها بشکه نفت و میلیاردها متر مکعب گاز بیش از آنکه مزایای اقتصادی برای کشورهای - منطقه در پی داشته باشد، منافع سرشار مالی برای شرکت‌های حاضر در منطقه داشته است. اگر کشورهای خاورمیانه در جستجوی دستیابی به توسعه پایدار و نوسازی سیاسی فرهنگی پیشرو و مؤثر هستند، باید با تکیه بر منابع و امکانات خود به فکر طراحی الگویی درون‌زا باشند زیرا تکیه بر الگوهای ارایه شده از سوی کشورهای غربی با همه فرصتهایی که در آنها وجود دارد، خالی از تهیدید نیست، لذا هر نوع نوسازی در این منطقه باید با مشارکت مردم و نخبگان فکری و فرهنگی همین منطقه صورت پذیرد. تجربه برخی از کشورهای موفق در منطقه جنوب شرق آسیا که بر الگوهای نوسازی بومی تکیه داشته و مقایسه آن با وضعیت کشورهای امریکای جنوبی که روند نوسازی در آن چندان موفق نبوده، حکایت از آن دارد که بهترین امکان نوسازی در درون خود جوامع شکل می‌گیرد. الگوی اسلامی ویژگی‌های و شاخص‌هایی از جمله برابری، آزادی، نفی ظلم و... دارد که موجب عدم وابستگی و رهایی از وابستگی اقتصادی بخصوص در بحث نفت به کشورهای استعماری می‌شود الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که از مبانی، آموزه‌ها و اصول اصیل و وحیانی اسلام ناشی می‌شود، در تعریف و شیوه‌های تحقق عدالت با الگوهای غربی توسعه کاملاً تفاوت دارد. این الگو می‌تواند به عنوان عامل هویت ساز و همچنین همسو کردن اذهان کنشگران منطقه موجب اتحاد جهان اسلام و مباحث حقوق بین الملل باشد. در این الگو، عدالت مسبب آزادی شناخته می‌شود، پیشرفت مبتنی بر عدالت تعریف می‌شود هدف غایی الگوی اسلامی پیشرفت، دست‌یابی به حیات طیبه است؛ حیاتی که عدالت، کانون و مرکز آن شناخته می‌شود و انسان را به تعالی دنیوی و اخروی رهنمون می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اگر در منطقه خلیج فارس پیاده شود موجب امنیت در منطقه و توسعه همه جانبه خواهد شد. زیرا این الگو دارای ویژگی‌هایی چون خدامحوری، اخلاق‌گرایی، هدایت محوری، ضد استعمار و استعمار، نفی سبیل، همزیستی مسالمت آمیز، اصل اعتدال و وفای به عهد است؛ اصولی که کاملاً مغایر با الگوی غربی است. فاصله گرفتن کشورهای منطقه از الگوی غربی، زمینه‌های همگرایی و توسعه اقتصادی را به همراه دارد. زیرا الگوی غربی با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی این کشورهای ناسازگار است و هدفش تامین منافع غرب در منطقه است. برای دستیابی به یک امنیت پایدار در منطقه چندین راهکار و پیشنهاد مد نظر است:

۱- از بین بردن رشد دو دستگی میان گروه‌های شیعه و سنی

۲- تعریف نقش‌های منطقه‌ای جدید برای ایجاد یکنظم امنیتی برای کشورهای منطقه

۳- ایجاد سازمانی برای مبارزه با تروریسم و اسلام‌هراسی

۴- توجه به پتانسیل‌های اقتصادی غیر نفتی مانند مروارید و میگو

۵- ارائه راهکار برای حل مشکلات میان اسرائیل و فلسطین

۶- توجه و گسترش دموکراسی در منطقه

۷- توجه به نقش هنرهای دستی زنان و دیگر پتانسیل‌های این قشر خاموش

۸- ایجاد سازمانی برای مبارزه با مواد مخدر و قاچاق اسلحه

۹- اعتماد سازی و تاکید بر مولفه‌های مشترک بومی و اسلامی

- یافته‌ها و رابطه آن با محورهای الگوی اسلامی ایرانی

این مقاله، با رویکرد امنیت ملی و دفاعی به الگوی پیشرفت به این نتیجه دست یافته است که عدم توسعه، عدم امنیت به همراه می‌آورد؛ مهمترین عامل عدم شکل‌گیری نظم و امنیت در خلیج فارس فراموشی ارزش‌های مشترک اسلامی و تکیه بر مبانی ارزشی غرب و وابستگی به آن و استعمارنو است. زمانی که کشورهای منطقه بتوانند با همسایگان خود همزیستی مسالمت‌آمیز داشته و برتری جویی منطقه‌ای را کنار بگذارند و بر مبانی اسلامی تکیه کنند؛ و یک سیستم همکاری جمعی منطقه‌ای برای همکاری‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ایجاد کنند؛ نه تنها باعث اعتمادسازی و خروج نیروهای خارجی از منطقه می‌شوند، بلکه باعث ایجاد صلح و تحکیم آن و توسعه‌ای پایدار در منطقه خواهند شد. یکی از مهمترین وجوه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که شاید یکی از مهمترین مولفه‌های آن هم باشد گسترش همکاری در بین کشورهای اسلامی و ایجاد همگرایی و وابستگی متقابل و در نتیجه استقرار و تثبیت امنیت و جلوگیری از بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای به دلیل اهداف استکباری و استعماری قدرت‌های بزرگ جهانی و بخصوص قدرت‌های غربی می‌باشد. در صورت استقرار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و حاکمیت ملی و مشروعیت اصیل اسلامی و مردمی، بحران‌های غرب ساخته که در راستای تامین منافع آنها می‌باشد از بین رفته و الگویی از همکاری و کنش متقابل در منطقه ایجاد خواهد شد و به این ترتیب امنیت پایدار و مردمی در تقابل با امنیت مبتنی بر منافع کشورهای بزرگ جهانی با اهداف امپریالیستی استقرار خواهد یافت.

## منابع

### کتاب

- بیلیس، جان. (۱۳۸۳). امنیت جهانی و بین‌المللی پس از جنگ سرد. تهران.
- خانی، عبدالله. (۱۳۸۲). نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: سلسه انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی بین‌المللی ابرار معاصر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). امامت و رهبری. قم: انتشارات صدرا
- هازن فونلو، یوردیس. (۱۳۷۵). جنگ خلیج فارس جنگ بر ضد اروپا. ترجمه شهروز رستگار. تهران: اطلاعات سیاسی اقتصادی. جعفری ولدانی، اصغر (. «.) چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه.» تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مقالات
- اخباری، محمد. (۱۳۸۸). ترتیبات امنیت در خلیج فارس، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر. غلامحسین واعظی. همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۷۲). امنیت خلیج فارس و بحران‌سازی در منطقه. فصلنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۵-۱۰۶: ۳۳-۳۰.
- بحیرایی، حمید. (۱۳۸۸). تاثیر و عملکرد اقوام ساکن خلیج فارس در امنیت منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات و چالش‌های موجود در این منطقه. غلامحسین واعظی. همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی.
- بنکه، آندریاس. (۱۳۸۱). پست مدرنیسم کردن امنیت. فصلنامه راهبردی، شماره ۲۶: ۲۳۹-۲۱۶.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۷). قدرت و امنیت در عصر پسامدرنیسم. فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان، شماره صفر.
- تائب، سعید. (۱۳۸۶). اولویتهای امنیت ساز در خلیج فارس با رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۰: ۱۸۶-۱۳۲.
- رحیمی، محمد. (۱۳۸۹). مشترکات مذاهب اسلامی در ایجاد امنیت پایدار در جهان اسلام. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، صص ۶-۱.

ساعی، احمد. (۱۳۸۴). امنیت ملی در جهان سوم. مجله پژوهش حقوق و سیاست، صص ۵۵-۹۰.

شیرازی، حبیب‌ال. (۱۳۸۶). جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره هفتم: صص ۲۱۱-۱۸۷.

صفایی پور، مسعود. (۱۳۸۸). بررسی نام خلیج فارس در متون جغرافیایی. غلامحسین واعظی. همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی.

عبدالملکی، حجت‌اله. (۱۳۹۱). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منطقه ای. دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره چهارم: صص ۲۱-۵۱.

نامی، محمد حسن. (۱۳۸۸). جایگاه ویژه خلیج فارس در امنیت جهانی و نقش ایران. غلامحسین واعظی. همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی

نویدنیان، منیژه. (۱۳۸۵). تاثیر نظری در امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول: صص ۷۱-۵۳.

یزدانی، عنایت‌اله. خدابنده، محمد (۱۳۹۰). امنیت در عصر پسا مدرن. رهیافتهای سیاسی و بین‌المللی، صص ۲۰۰-۱۶۳.

جعفری نژاد، محمدرضا (۱۳۹۶). جایگاه عدالت در الگوی اسلامی پیشرفت با تاکید بر آراء امام خامنه‌ای، پژوهش‌های سیاست اسلامی / شماره یازدهم / ۱۳۹۶، صفحات ۱۶۱-۱۳۷

میلانی، جمیل (۱۳۹۵). انقلاب اسلامی ایران و آرمان حمایت از مستضعفین در فرایند جهانی شدن: فرصت‌ها و چالش‌ها، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت، جلد دوازدهم، بیست و نهم و سیام اردیبهشت

سازمند، بهاره، جوکار، مهدی (۱۳۹۵). مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویشها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک سال دوازدهم، شماره دوم، صفحات ۱۷۷-۱۵۱

کاظمی، زهره، افشارنیا، سعید (۱۳۹۵). جستاری نو در مبانی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پایان نامه

سیاوشی، مهری. (۱۳۹۴). نسبت تبادل فرهنگی با نظام معرفتی فارابی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

#### منابع لاتین

- Barak, Oren. (2007). "Dilemmas of security in Iraq". Security Dialogue. Vol.38. No.4. pp.455-475.
- Sorli, Mirjame. (et.al)(2005). "Why is There So Much Conflict in the Middle East". Journal of Conflict Resolution, Vol 49.No.1. pp.141-165.
- Andrew Scott Cooper. (2011) The oil kings : how the U.S., Iran, and Saudi Arabia changed the balance of power in the Middle East